



Respect for Freedom in the Sphere of Iran's Legislative Criminal Policy; A Discourse on the Concept and Examples of the Crime of Possessive Behavior Towards another Human Beings

Ahmad Falahi*^{id}

Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

ABSTRACT: The code of prohibiting the sale and purchase of slaves in Iran and the freedom of slaves upon entering the country, approved on 1929/02/07, It has guaranteed the freedom of slaves as soon as they enter Iran, has criminalized their buying and selling and any kind of possessive behavior with other human beings. this crime is intentionally committing an act that causes a violation or damage to the self-ownership and autonomy of the victim and his regulatory role in organizing his life, and its victim does not have alternative opportunities, freedom of choice and the possibility of getting out of that situation and becomes like an object in his possession and as a tool to serve his interests and desires. Based on this, it is possible to imagine a group of acts of ownership behavior towards another from the least to the most, the most severe of which is manifested in the form of slavery. At the same time, it should be said that criminalizing possessive behavior towards another person has legal and policy-making implications; in this regard, and with due regard to the need to observe the principle of the integrity of the legislative system and pay attention to the hierarchy of norms, as well as paying attention to fundamental human rights and freedoms, it is necessary for the legislator to explicitly repeal all laws and regulations that have given a kind of legal form to possessive behavior towards other human beings.

Review History:

Received: Jan. 08, 2025
Revised: Feb. 10 , 2025
Accepted: Feb. 22 , 2025
Available Online: Mar. 19, 2025

Keywords:

Possessive Behavior
Self-ownership
Freedom
Right
Autonomy

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Falahi, A., (2025). Respect for Freedom in the Sphere of Iran's Legislative Criminal Policy; A Discourse on the Concept and Examples of the Crime of Possessive Behavior Towards another Human Beings, *Scientific Journal of Political Law Approaches*, 2(2), 35-46. <https://doi.org/10.22084/qjpla.2025.30512.1025>

Online ISSN 3092-6394



*Corresponding author's email: a.falahi@uok.ac.ir



تکریم آزادی در سپهر سیاست جنایی تقنینی ایران؛ گفتاری در تحلیل مفهوم و مصادیق جرم رفتار مالکانه نسبت به دیگری

احمد فلاحي^{ID}

استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، ایران.

تاریخچه داوری:

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹

بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۷

ارائه آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹

کلمات کلیدی:

رفتار مالکانه

خودمالکیتی

آزادی

حق

خودآیینی

خلاصه: قانون منع خرید و فروش برده در خاک ایران و آزادی برده در موقع ورود به مملکت، مصوب ۱۳۰۷/۱۱/۱۸، آزادی بردگان را به محض ورود به ایران تضمین، خرید و فروش آنان و هر نوع رفتار مالکانه با دیگر انسان‌ها را جرم‌انگاری کرده است. باتوجه به عدم تعریف جرم «رفتار مالکانه نسبت به دیگری» در این قانون، در ارتباط با مفهوم آن باید گفت این جرم، انجام اعمدانه‌ی عملی است که موجب نقض یا ایراد صدمه به خودمالکیتی و خودآیینی بزه‌دیده و نقش تنظیم‌گرانه‌ی او در سامان‌بخشی به جریان زندگی خود شده، قربانی آن از فرصت‌های جایگزین، آزادی انتخاب و امکان رهایی از آن موقعیت برخوردار نبوده یا از وجود این فرصت‌ها اطلاع ندارد. بر این اساس، می‌توان دسته‌ای از اعمال مالکانه نسبت به دیگری را از کمترین تا بیش‌ترین آن متصور شد که شدیدترین آن در قالب بردگی نمود می‌یابد. در عین حال باید گفت جرم‌انگاری رفتار مالکانه نسبت به دیگری، آثاری حقوقی و سیاست‌گذارانه را در پی دارد؛ در همین راستا و با عنایت به لزوم رعایت اصل یکپارچگی نظام تقنینی و توجه به سلسله‌مراتب هنجارها و بر مبنای قانون مربوط به الحاق دولت ایران به قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و دستگاه‌های مشابه بردگی مصوب ۱۳۳۷، همچنین توجه به حقوق و آزادی‌های اساسی انسان، ضروری است قانونگذار، تمامی قوانین و مقرراتی را که رفتار مالکانه به دیگر انسان‌ها را به نوعی صورت قانونی بخشیده است، نسخ صریح نماید. همچنین، دادرسان باید با در نظر داشت مبانی فوق، در تفسیر قوانین، رویکردی را مدنظر قرار دهند که به نفی رفتار مالکانه نسبت به دیگری منجر شود.

۱- مقدمه

قانون منع خرید و فروش برده در خاک ایران و آزادی برده در موقع ورود به مملکت، مصوب ۱۳۰۷ که بعد از تصویب کنوانسیون ممنوعیت برده‌داری به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است، به جرم‌انگاری رفتار مالکانه با دیگر انسان‌ها پرداخته است؛^۱ قانون مورد اشاره که در قالب یک ماده واحد

۱. در ارتباط با پیشینه‌ی اسناد بین‌المللی آغازین در مورد لغو بردگی و رفتارهای مشابه بردگی و برخورد مالکانه با دیگر انسان‌ها می‌توان به موافقت‌نامه‌ی بین‌المللی جلوگیری از خرید و فروش سفیدپوستان، امضا شده در پاریس در چهارم مه ۱۹۱۰ اشاره کرد. موافقت‌نامه‌ی بین‌المللی لغای خرید و فروش زنان و کودکان، مصوب سی سپتامبر ۱۹۲۱ که دولت ایران در تاریخ هفت مهر ۱۳۰۰ به آن ملحق شده است، از دیگر اسنادی است که بر اساس مواد دوم و سوم این موافقت‌نامه، دولت‌های طرف آن باید اقدام‌های لازم را برای جرم‌انگاری موارد مذکور در مواد اول و دوم موافقت‌نامه چهارم مه ۱۹۱۰ به عمل آورند. همچنین می‌توان به کنوانسیون منع برده‌داری ۱۹۲۶ اشاره کرد. در کنار این اسناد، موافقت‌نامه‌ی بین‌المللی پیشگیری از خرید و فروش زنان بزرگسال مصوب یازده اکتبر ۱۹۳۳ که دولت ایران در تاریخ بیستم دی‌ماه ۱۳۱۳ به آن پیوسته است، مورد توجه است. علاوه بر این می‌توان به کنوانسیون مکمل لغو برده‌داری ۱۹۵۶، قانون مربوط به الحاق دولت ایران به قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و دستگاه‌های مشابه بردگی مصوب ۱۳۳۷، قانون تصویب کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه‌نامه‌ی مکمل آن مصوب ۱۳۸۰ اشاره کرد.

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: a.falahi@uok.ac.ir

به تصویب رسیده است بیان می‌دارد: در مملکت ایران هیچ‌کس به‌عنوان برده شناخته نشده و هر برده به مجرد ورود به خاک یا آب‌های ساحلی ایران آزاد خواهد بود. هرکس انسانی را به نام برده خرید و فروش کرده یا رفتار مالکانه‌ی دیگری نسبت به انسانی بنماید یا واسطه‌ی معامله و حمل و نقل برده بشود محکوم به یک تا سه سال حبس تأدیبی خواهد گردید. این قانون در بردارنده‌ی چند موضوع است؛ نخست، این که در ایران، هیچ‌کس نباید در وضعیت بردگی قرار گیرد و هر برده‌ای به محض ورود به قلمرو ایران، آزاد خواهد بود و کسی بر او مالکیت و سلطه‌ای ندارد. دوم، خرید و فروش انسان را در هر شکلی و نیز، زمینه‌سازی برای خرید و فروش، جرم اعلام شده است. سوم، هر رفتار مالکانه‌ای نسبت به دیگر انسان‌ها جرم‌انگاری شده و کیفر آن را همچون خرید و فروش انسانی که برده نامیده شده، قرار داده است. آنچه در این ارتباط حائز اهمیت است توجه قانون‌گذار کیفری ایران به جرم‌انگاری عمل «رفتار مالکانه» با دیگری است که در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، محل توجه نبوده است؛ هرچند، قانون‌گذار این جرم را تعریف نکرده است. باتوجه به این که مصادیق مختلف و متعددی که در قالب رفتار مالکانه با

حقوقی موجود، پس از بیان تمایز بنیادین بحث از مالکیت در این موضوع با آنچه در حقوق خصوصی مورد توجه است، به مفهوم آن اشاره خواهد شد.

۲-۱- رفتار مالکانه با دیگری؛ گستره‌ی معنایی و قلمرو مفهومی

شناخت چهارچوب مفهومی رفتار مالکانه با دیگری، ریشه در شناخت مفهوم مالکیت چه در قالب مالکیت بر خود یا دیگری یا اشیاء دارد. همان‌گونه که پیداست این مفهوم، هم در ادبیات حوزه‌ی حقوق خصوصی و هم در حقوق عمومی به کار گرفته شده است؛ ولی آنچه در بیشتر مباحث حقوقی کشورمان مورد توجه است، مفهومی از مالکیت بوده است که از ایده‌های حقوق خصوصی نشأت گرفته است. در همین ارتباط بیان شده است «ملکیت حقی است که به مقتضای آن چیزی در تحت اراده‌ی شخص قرار گیرد؛ به‌طوری که حق به او اختصاص داشته و به موجب آن بتواند هرگونه انتفاعی از آن برده و در حدود قانون در آن تصرف نماید» (بروجردی‌عبد، ۱۳۸۰، ص ۲۹-۳۰). بر این اساس، مالکیت یک رابطه‌ی انتزاعی اعتباری میان شخص و شیء متعلق به اوست. در همین راستا بر خصوصیت مطلق و انحصاری بودن مالکیت تأکید شده است؛ این که «رابطه‌ای است بین شخص و شیء که به وی حق همه‌گونه تصرف و انتفاع را می‌دهد» (صفایی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۹). بدین‌سان، متعلق مالکیت، یک شیء فاقد هستندگی ذهنی-ارادی است که به مناسبت مالکیت اعتبار می‌یابد. آنچه در حقوق خصوصی می‌تواند مبنای پذیرش مالکیت شخص بر اموال و اشیاء و سرمایه باشد، بر ایده‌ی اساسی خودمالکیتی قرار گرفته است و بدیهی است در نظام حقوقی که این موضوع بنیادین پذیرفته نشده باشد، به تبع، مالکیت شخص بر اشیاء نیز محل تأمل خواهد بود؛ و همچنانکه پیداست بحث حقوق اموال و مالکیت معطوف به اشخاص است و اگر این قید نباشد، موضوع در دایره‌ی شمول مباحث حقوقی نخواهد بود. در کنار مطالب فوق، باید میان مالکیت بر یک شیء یا دارایی با مالکیت بر انسان تمایز قایل شد؛ در حالت اول، شیء از خود هیچ اراده‌ای ندارد و نباید ویژگی‌های مالکیت بر شیء را با رفتار مالکانه با انسان مقایسه کرد. انسان موجودی است دارای وضعیت ذهنی-درونی که این وضعیت، در پیوند دائم با وضعیت جسمی-بیرونی است و بر همدیگر تأثیر و تأثر دارند. مفاهیم «خود» و «دیگری» مانند مفهوم «شیء» یا «سرمایه» نیست و بلکه، مفهومی مرتبط با ترکیبی از جسم و روان و ذهن است و به همین جهت است که ویژگی‌های درونی چون احساس، ادراک، آگاهی و خودآگاهی، آزادی اراده، قصدمندی، دارا بودن ویژگی تخیل و پیش‌بینی آینده، انسان را از دیگر موجودات تمایز می‌بخشد. در جایی که متعلق مالکیت، یک شیء

دیگر انسان‌ها واقع می‌شود، می‌تواند در گذر زمان تحول یابد و به‌ویژه این که، قانون فوق‌الذکر کمتر مجال اجرا یافته است؛ ضرورت مفهوم‌شناسی آن وجود دارد؛ چه این که یکی از لوازم اصل قانونی بودن جرم و کیفر به‌عنوان تبلوری از اصل حاکمیت قانون، آشکارگی گستره‌ی معنایی جرایم است و عدم ارائه‌ی تعریف قانونی از جرم، امکان تفاسیر متعدد و متفاوت را موجب شده و در پی آن، احتمال نقض حقوق متهم یا بزه‌دیده وجود دارد و این موضوع بر حق آگاهی مخاطبان قانون از محتوا و چهارچوب مفهومی مقرره‌ی قانونی خدشه وارد می‌کند. در کنار این، اهمیت بررسی مفهوم این جرم در آن است که در حقوق ایران، قانون‌گذار به مصادیق متعددی از رفتار مالکانه با دیگر انسان‌ها صورت قانونی بخشیده است؛ و این در حالی است که این امر با جرم‌انگاری رفتار مالکانه با دیگری به‌عنوان یک قاعده‌ی بنیادین ناسازگار است. در راستای تبیین مفهوم این جرم، در این نوشتار، با اتکا بر روشی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مطالب گردآوری شده و به تفسیر و تحلیل موضوع پرداخته شده است. برای نیل به این مهم، ابتدا مفهوم این جرم بیان شده، امکان استناد به معیارهای حقوق خصوصی در حوزه‌ی مالکیت در جهت تشخیص مفهوم و مصادیق این رفتار ارزیابی خواهد شد. همچنین، باتوجه به منابع حقوق کیفری ایران و ابتنای آن بر مبنای، اصول و قواعد شریعت اسلامی، رویکرد فقه اسلامی در ممنوعیت رفتار مالکانه با دیگران مورد اشاره قرار خواهد گرفت. سپس مصادیقی از این جرم در قالب گذری مختصر بر گستره‌ی معنایی بردگی و اعمال مشابه آن، طرح شده و برخی مقررات ناقض این مقرره‌ی بنیادین که برخلاف اصل یکپارچگی نظام حقوقی کیفری، قانونگذار مواردی از رفتار مالکانه را ممنوع یا جرم اعلام نکرده یا گاه مورد حمایت قانونی قرار داده است، بیان خواهد شد.

۲-۲- چهارچوب مفهومی جرم رفتار مالکانه با دیگر انسان‌ها

بحث از رفتار مالکانه با دیگری، ازجمله مفاهیمی است که به‌علت ارتباط آن با مفهوم مالکیت انسان و تحولات مفهومی و مصداقی آن، می‌تواند با برداشت‌های مختلفی روبرو باشد. با وجود اهمیتی که جرم‌انگاری این عمل در حمایت از ارزشمندی انسان، حیات، آزادی و برابری انسان‌ها دارد، عدم تعریف آن، می‌تواند ذهن را به سمت ویژگی‌های مالکیت در حوزه‌ی حقوق خصوصی سوق دهد. بدین جهت و به علت عدم تحلیل این جرم در ادبیات

۱. قانون‌گذار این جرم را در امتداد بردگی قرار داده است؛ گویی میان بردگی و رفتار مالکانه با دیگری پیوندی سرشتین وجود دارد که تعیین دامنه‌ی مفهومی بردگی، در شناسایی قلمرو معنایی رفتار مالکانه نقش خواهد داشت؛ اما، همچنان که خواهد آمد عکس این موضوع صادق است.

است به علت عدم دارا بودن این ویژگی‌ها، می‌توان از مطلق بودن نظارت و کنترل در مالکیت یا دائمی و انحصاری بودن و یا استمرار آن صحبت کرد، اما در موردی که متعلق برخورد مالکانه یک انسان است، نمی‌توان از چنین وضعیتی سخن گفت؛ بلکه فرد با وجود این که همان‌گونه که خواهد آمد قربانی برخوردهای مالکانه است، اما تحت این سلطه‌ی دائمی، انحصاری و مطلق و یا مستمر قرار ندارد.

رفتار مالکانه با دیگری، نقطه‌مقابل مالکیت فرد بر خود در یک معنای کلی‌ست؛ از این‌رو، تحلیل چهارچوب مفهومی مالکیت بر خود باید در تحدید معنایی این جرم باید مورد توجه باشد. ایده‌ی مالکیت بر یک شخص در مفهوم امروزی می‌تواند نوعی از بهره‌کشی و اعمال خواسته‌های خود بر دیگری را دربر داشته باشد. آنچه در قانون منع خرید و فروش برده در خاک ایران مورد توجه است، نه صرفاً بهره‌کشی، بلکه اعمالی است که استقلال و تمامیت وجودی فرد را خدشه‌دار می‌کند و او را چون یک فرد خودبنیاد و خودآیین نادیده می‌انگارد. این جرم، انجام عامدانه‌ی عملی است که منجر به ایراد صدمه در خودمالکیتی و خودآیینی فرد و نقش تنظیم‌گرانه‌ی او در سامان‌بخشی به جریان زندگی خود می‌شود. همچنین باید گفت مصادیق رفتار مالکانه می‌تواند متعدد و در گذر تحولات زمان و تحت تأثیر گسترش زاویه‌های جدید از ارجمندی انسان و خودآیینی او باشد. می‌توان گفت رفتار مالکانه با دیگری دربرگیرنده‌ی یک یا تمام اعمال زیر است: شخصی که دیگری را به منظور بهره‌کشی مورد سوءاستفاده قرار می‌دهد و این امر می‌تواند بر اساس موقعیت آسیب‌پذیر قربانی این عمل باشد یا مواردی که شخص از جایگاه و موقعیت و قدرت و اختیار یا صلاحیت‌های خود سوءاستفاده کرده و با انسان دیگری چون مایملک خود برخورد می‌کند. رفتار مالکانه با دیگری در واقع اعمال اختیاراتی است که فرد چون مالک اشیاء و اموال و دارایی، بر انسان دیگری به کار می‌برد. از جمله حقوق مالکانه که مالک به کار می‌برد، اعمال نظارت و کنترل است؛ در این صورت، در رفتار مالکانه با دیگری نیز بسته به میزان شدت، طیفی از رفتارهای مالکانه از خفیف‌ترین تا شدیدترین آن را می‌توان متصور شد. در اختیار گرفتن و اعمال قدرت و اختیارات مالکانه، هسته‌ی اساسی مالکیت را تشکیل می‌دهد و بر این اساس، هر جا با این اعمال قدرت روبرو باشیم یکی از اشکال به کار بردن قدرت مالکانه مورد استفاده قرار گرفته و در این حالت است که رفتار مالکانه با دیگری محقق می‌شود؛ «در هر موردی که نظارت و کنترلی بر دیگری وجود داشت و این نظارت و کنترل» (Allain in Piotrowicz, 2018, p 5) موجب نقض خودآیینی و خودمالکیتی فرد شود، حالتی از رفتار مالکانه محقق شده است.

باتوجه به مطالب فوق، برای تعیین رفتار مالکانه هم یکسری خصوصیات در آن که مالکیت می‌کند یا رفتار او مالکانه است باید وجود داشته باشد و هم در موضوع رفتار مالکانه؛ و انطباق این دو دسته ویژگی است که رفتار مالکانه با دیگری را موجودیت می‌دهد و عینیت می‌بخشد. شخص بزه‌دیده به علت اجبار به پیروی و اطاعت، عدم وجود امکان جایگزین، آسیب‌پذیری وی، نبود فرصت برابر، نبود آزادی در انتخاب به معنای واقعی، عدم برخورداری از موقعیت دفاع یا رهایی، نبود آزادی در ورود به یک فرایند یا نبود آزادی در پایان دادن و خاتمه‌ی به آن است که او را در آن وضعیت قرار داده است. در واقع بزه‌دیده، فردی است که نمی‌تواند از آزادی انتخاب و ظرفیت‌ها و قابلیت‌های انسانی خود، آن گونه که می‌خواهد، جز با رضایت دیگری، استفاده کرده یا آن را به کار برد؛ هر جا فرد مجموعه‌ای از انتخاب‌های حقیقی را دارا نباشد یا این که در برابر انتخاب‌اش مصونیت نداشته باشد، با نقض خودمالکیتی روبروست. در رفتار مالکانه، سوءاستفاده از قدرت یا اختیارات همسری، قدرت یا اختیارات والدینی، قدرت کارفرمایی و ریاست و نیز آسیب‌پذیر بودن یا در موقعیت آسیب‌پذیر مالی، روانی، خانوادگی قرارداشتن و سوءاستفاده از این موقعیت می‌تواند مطرح باشد. رضایت بزه‌دیده به اعمال مالکانه‌ی علیه وی، نمی‌تواند نافی تحقق این جرم باشد؛ چراکه جرم‌انگاری این عمل، به علت حمایت از ارجمندی و تقدس حیات انسان است؛ چه این که انسان دوست دارد او را مالک حقیقی زندگی خود بداند و در مواردی که حالتی از رضایت بزه‌دیده وجود داشته باشد، می‌تواند این رضایت آگاهانه یا آزادانه نباشد یا فرد از فرصت آزاد و برابر جایگزین برخوردار نباشد. گاه رفتار مالکانه با دیگری در قالب سوءاستفاده از حق تبلور می‌یابد یا این که فردی از ترس تنبیه‌شدن کاری را انجام دهد که دیگری از او می‌خواهد، با وجود این که عنصری از انتخاب میان تنبیه و یا عملی که می‌خواهد انجام دهد وجود دارد.

۱. اساس قانون [منع] برده‌داری مدرن مصوب سال ۲۰۱۵ میلادی در انگلستان، در بخش یک، ماده‌ی اول بند ۵، رضایت شخصی که به بردگی گرفته‌شده یا کار اجباری یا همراه با خشونت انجام می‌دهد، چه این شخص بزرگ‌سال باشد یا کودک، مانع از این نیست که عمل، از دایره‌ی شمول عمل کیفری برده‌داری و کار اجباری یا همراه با خشونت خارج شود. همچنین می‌توان به ماده ۲۶۰ قانون مدنی اشاره کرد: هیچ کس نمی‌تواند از خود سلب حریت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرف‌نظر کند. در ارتباط با عدم تأثیر رضایت در برخی قراردادهای ماده ۹۷۵ قانون مدنی بیان می‌دارد: محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجرا گذارد اگر چه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد. بر اساس این ماده، تمامی قراردادهایی که در آن کرامت و منزلت فرد خدشه‌دار شده و نیز کارهای طاقت‌فرسا در برابر دستمزد بسیار کم و بنا به علت شرایط مالی کارمند یا کارگر منعقد شده است، قابلیت اجرایی ندارد و بلکه در کنار آن باید رفتار مالکانه با دیگری قلمداد گردد.

۲-۲- خودمالکیتی و خودآیینی و پیوند آن با مفهوم‌شناسی رفتار مالکانه با

دیگر انسان‌ها

مفاهیم خودمالکیتی، خودآیینی و آزادی و قلمرو آزاد فردی می‌تواند ایده‌ی اساسی در شناخت رفتار مالکانه باشد و برای آن که رفتار مالکانه را تحلیل کنیم باید حوزه‌ای که فردانگی فرد را تضمین می‌کند برشمرد. این مدعا که شخص مالک خود است در صورتی می‌تواند رنگ واقعیت به خود گیرد که او توان بهره‌مندی از یکسری امتیازات، مصونیت‌ها و قدرت-کنترل و حق-آزادی را داشته باشد. خودآیینی بدین معناست که باید بپذیریم که دیگری، صاحب اختیار در تنظیم‌گری زندگی خویش است و از این حق برخوردار است که آهنگ زندگی خویش را تنظیم کند. خودآیینی، مستلزم احترام به خواست او و این‌که باید با دیگری تعاملی انسانی^۱ داشت، خواهد بود؛ «اشخاص، کسانی هستند که در موقعیت خودآیینی هنجارین نهایی در ارتباط با خود، بدن و زندگی‌شان قرار دارند. بدین‌سان می‌توان آنان را چون مالک بر خود تصور کرد» (Quigley, 2018, p194). این امر نیز در قالب استقلال فرد تبلور می‌یابد. خودمالکیتی «موقعیت خودآیینی هنجارینی را توصیف می‌کند که اشخاص نسبت به خود تجسم‌یافته‌یشان دارند. وجود خودآیینی شخصی هسته‌ی اساسی بحث از خودمالکیتی است» (Quigley, 2018, p194). خودمالکیتی در درون خود، بر برابری افراد در این وضعیت دلالت دارد و در واقع هر انسانی از حق خودمالکیتی به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین برخوردار است. شخص باید از موقعیت استفاده از حق کنترل خود بر زندگی همراه با مصونیت از هر نوع تعرض و دخالت برخوردار باشد و «یک جنبه از خودآیینی شامل آزادی فکر کردن، انتخاب کردن، عمل بر اساس آنچه فرد می‌پسندد و در عین حال این امر مستلزم محدودیت دیگران در این قلمرو است. جنبه‌ی دیگر آن، بر توانایی و آزادی اشخاص در اعمال کنترل بر بدن‌شان، اعمال و زندگی‌شان توجه دارد؛ به نوعی، اشخاص باید به‌عنوان منع کنترل بر افکار، انتخاب‌ها و اعمال‌شان باشند. تصور اشخاص به‌عنوان هستنده‌های مالک بر خود، راهی برای ترسیم الزاماتی است که ما فکر می‌کنیم نیروی هنجارین قابل توجهی را در پی دارد» (Quigley, 2018, p 229).

رفتار مالکانه با دیگری نقطه مقابل مالکیت فرد بر خود است و آن که با دیگری رفتاری مالکانه دارد، خودآیینی بزه‌دیده بر تنظیم‌گری زندگی خویش را نمی‌پذیرد و عامدانه آن را نقض می‌کند؛ چه این‌که آنچه فردی را از دیگری

تمایز می‌بخشد، نه در فقط در ویژگی‌های فیزیولوژیک یا عصب‌شناختی، بل علاوه‌بر آن در استقلال و خودبنیادی فرد و آزادی او برای پیگیری طرحی است که برای زندگی دارد. شخص باید فاعل مستقل و طراح زندگی خود باشد. آنجا که فردی از امکان و فرصت این طراحی برخوردار نیست و دیگری حق انتخاب او را نادیده می‌گیرد و او را چون مالک بر خود نمی‌پذیرد و بلکه او را چون ابزاری در راستای اهداف و بهره‌جویی خود قرار می‌دهد او قربانی رفتاری مالکانه گردیده است؛ «درک از شخص به‌عنوان مالک خود، به‌عنوان کسی که دارایی از آن خود دارد، منبع کنترل بر اعمال و کنش‌های اشخاص و زندگی را مبتنی بر قلمرو و حوزه‌ی [عمل مستقل آزاد] خود تلقی می‌کند. این امر موجب می‌شود دیگران از نظر اخلاقی با محدودیت در دخالت در قلمرو شخص روبرو باشند» (Quigley, 2018, p 194). خودمالکیتی در صورتی است که فرد «مالک و صاحب حقیقی زندگی خود، شخص خود و هر آنچه به صورتی کارکردگرایانه به او به‌عنوان موجودی زنده تعلق دارد، باشد» (Lefevre, 1971, p 28). در هر مورد که فرد از تمام یا بخشی از حوزه خودمالکی محروم باشد و با صرف هزینه‌های معقول امکان خروج آزادانه از آن موقعیت را نداشته باشد، او در شرایطی قرار گرفته است که نمی‌توان گفت او مالک و طراح اصلی زندگی خویش است؛ چه این‌که «درک خود به‌عنوان یک فرد، به معنای شخص‌بودگی است که این نیز به قابلیت‌هایی اشاره دارد که خودبنیاد هستند و بر استقلال فرد تأکید دارند و انواع ارزش‌های اخلاقی که به‌وسیله‌ی مفاهیم فردگرایانه رشد می‌یابد، استقلال، آزادی و رهایی است» (Maddox, 2019, p 291).

خودآیینی فردی نیز عبارت است از «ظرفیت و قابلیت حمایت از خود، هدایت زندگی خود و در نهایت مسئولیت در برابر تصمیمات خود» (Feinberg, 1986, p 28). این‌که فرد طراح روند و فرایند زندگی خود باشد و خودآیینی وی در قالب انتخاب‌گری او تبلور خواهد یافت. خودآیینی در چهارچوب مفهوم مثبت آزادی تبلور می‌یابد که «معنی مثبت آزادی از تمایل فرد به این‌که آقا و صاحب اختیار خود باشد، برمی‌خیزد. این مفهوم در قالب ارباب خود بودن» (برلین، ۱۳۸۰، ص ۲۴۹-۲۵۰). ظهور می‌یابد و در کنار آزادی منفی، دخالت ناروا در زندگی فرد را مانع می‌شود. آزادی انتخاب و قدرت بر انتخاب میان خواستن و نخواستن یک فرااصل حقوقی است که فرد را در یک وضعیت رضایت‌مدارانه قرار می‌دهد؛ چه این‌که «آن هدفی که موجودات بشری همیشه باید در نظر داشته باشند عبارت از وضعی است که در آن قدرت و نشو و نمای بشری جنبه‌ی فردی خود را حفظ کند. برای رسیدن به این هدف دو شرط بدوی لازم است: آزادی و گوناگون بودن مشاغل و موقعیت‌ها. از

۱. کانت یکی از زیباترین و عمیق‌ترین اندیشه‌ها را در این حوزه بیان کرده است: انسانیت، شایسته‌ی احترام است و حتی اگر کسی، شخص خوبی نباشد، بازهم انسانیت در او شایسته‌ی احترام است (کانت، ۱۳۸۸، ص ۲۰۷).

ترکیب این دو شرط آن فعالیت انفرادی و تنوع بی‌شمار که روی هم رفته ابتکار را تولید می‌کند به وجود می‌آید» (میل، ۱۳۸۵، ص ۱۵۰-۱۵۱). ضرورت آزادی انسان برای طراحی زندگی خود آنگونه که می‌خواهد باید تضمین شود و «آزاد بودن به معنای آزادی در انجام آنچیزی است که فرد می‌خواهد» (Narveson, 2001, p 17). آزاد بودن در این حالت مستلزم وجود دو عنصر است؛ هم وجود گزینه‌های متعدد، دست‌کم دو گزینه و هم قدرت و توان انتخاب میان آن‌ها و برگزیدن یکی از آن‌ها بر اساس میل درونی خود است و قدرت هر فرد بر دیگری محدودیت دارد، آنجا که حیات و آزادی و برابری و حق‌های دیگری، آغاز می‌شود، پایان حدود دخالت در این قلمرو است.

۳- مبانی ممنوعیت برخورد مالکانه با دیگر انسان‌ها در شریعت اسلامی

با وجود این‌که عمل رفتار مالکانه نسبت به دیگر انسان‌ها، پیش از انقلاب اسلامی جرم‌انگاری شده است، اما مبانی و مصادیقی از ممنوعیت این عمل در شریعت اسلامی نیز قابل توجه است. در آیین اسلام، انسان بر هم‌نوع خود مالکیتی ندارد. اندیشه‌ی خدامالکی و این‌که در دین اسلام، فقط خداوند مالک جهان است، موجب طرح این موضوع خواهد شد که هیچ انسانی حق ندارد با دیگران، برخوردی مالکانه داشته باشد؛ چه این‌که برابری انسان‌ها در کرامت، حیات و آزادی و برخورداری از مواهب زندگی، یک اصل بنیادین در شریعت اسلامی است. از آنجا که رفتار مالکانه در برابر استقلال و آزادی فردی است، آیات ۷۵-۷۶ سوره نحل^۱ به ویژگی‌های انسان آزاد اشاره دارد؛ «در این آیات خداوند ویژگی‌های یک برده‌ی مملوک را بیان می‌کند که فاقد اراده است و حق سخن گفتن ندارد و خداوند با مثال از مالک برده بیان از آن دارد» (حاج‌محمد، ۲۰۱۰، ص ۱۰۳)؛ بر این اساس، نفی یا صدمه‌ی آزادی اراده که در قالب انتخاب آزاد و تنظیم‌گری زندگی تبلور می‌یابد، جلوه‌ای از رفتار مالکانه است و در همین راستا، بر پایه‌ی آیه‌ی شریفه‌ی «لا اکراه فی الدین» جنس اکراه نفی شده و این نفی، در مقام نهی است. در کنار این، دو قاعده‌ی اساسی در شریعت اسلامی حرمت جان و مال انسان مسلمان است؛^۲ بدیهی است که حمایت از کلیت جان و مال، مستلزم حمایت از جزء جزء آن نیز خواهد بود. حمایت از نفس انسان و بحث از آن در

۱. ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۷۵) وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۷۶)

۲. به نظر می‌رسد بحث از قید مسلمان از باب غلبه باشد وگرنه، در شریعت اسلامی جان و مال انسان‌ها محترم است، مگر حالت‌های استثنایی که بیان شده است.

قالب «حفظ نفس» در نظریه‌ی مقاصدالشریعه از دیگر مبانی ممنوعیت رفتار مالکانه با دیگران در فقه اسلامی است؛ بر پایه‌ی این اندیشه، حفظ نفس هم جنبه‌ی مادی و هم جنبه‌ی معنوی- روانی دارد و آثاری را نسبت به خود فرد و دیگران در پی دارد و برای این‌که حفظ نفس محقق شود، اساس آن در شناسایی هر فرد چون یک انسان است معنا پیدا می‌کند. در همین ارتباط به برخی از قواعد فقهی که مبانی ممنوعیت از رفتار مالکانه با دیگر انسان‌ها را تشکیل می‌دهند اشاره خواهد شد.

۳- ۱- قاعده‌ی احترام و آثار آن بر نفی رفتار مالکانه با دیگری؛

بیان شده است قاعده‌ی احترام کار و مال از مهم‌ترین قواعد است (سبزواری، ۱۳۸۹، ص ۲۴۷). اگرچه بحث از این قاعده در ارتباط با احترام به اموال دیگران مطرح و بیان شده «مقصود از احترام مال مردم، مصونیت اموال آنان از تصرف و تعدی است» (محقق‌داماد، ۱۴۰۶، ص ۲۱۳) اما باید گفت، احترام به مال، در صورتی است که شخص‌بودگی و احترام به مالک پذیرفته شده باشد و به طریق اولی، اگر مال متعلق به فرد از احترام برخوردار است، جان و روان او نیز حرمت دارد و به تعبیری، میان قاعده‌ی احترام و احترام به جنبه‌های مختلف نفس انسانی تلازم وجود دارد و احترام به شأن انسانی انسان، مستلزم خودداری از هر نوع رفتار مالکانه با اوست. بر پایه‌ی همین قاعده است که خوار کردن خود و یا خوار شمردن دیگران ممنوع اعلام شده است؛ ازجمله روایاتی که در این باب وارد شده است می‌توان به دو روایت اشاره کرد: ان الله تبارک و تعالی فوض الی المؤمن کل شیء الا اذلال نفسه. (الکلینی، ۱۳۸۷، ص ۵۰۳) ان الله فوض الی المؤمن اموره کلها و لم يفوض الیه ان یکون ذلیلا (الطوسی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۰) این بحث با موضوع عزت نفس در ارتباط است و عزت نفس، هم باید از جانب خود فرد و هم دیگران، رعایت شود. این موضوع، نقطه مقابل خوار کردن دیگران و رفتار مالکانه با آنان و شیء کردن آنان است. بر همین اساس در روایت آمده است: سباب المؤمن فسوق و قتاله کفر و اکل لحمه معصیه و حرمة ماله کحرمة دمه؛ در این روایت بحث از حرمت مال را به حرمت جان تشبیه می‌کند. این «تشبیه در اصل حرمت است؛ بدین معنا که همان‌گونه خون او حرمت دارد، مال او نیز حرمت دارد و این حرمت، تکلیفی است. این حرمت به معنای عدم جواز هتک اوست» (خمنی، ۱۴۲۱، ص ۴۱۷). در واقع، حرمت جان نیز ریشه در ارجمندی انسان دارد. کرامت برابر انسان‌ها و حرمت جان و مال آنان، موجب شده است که در روایت بیان فرماید: «انه لا یصلح ذهاب حق احد» (حرعاملی، بی‌تا، ص ۳۱۹). در یک تفسیر بنیادین از این روایت می‌توان آن را محدود به حوزه‌ی شهادت نکرد و بلکه، مطلق آن را در مبنا در نظر گرفت

که حق هیچ انسانی نباید مخدوش شود.

۳-۲- قاعده‌ی سلطنت و نقش آن بر محدودکردن رفتار مالکانه؛

این قاعده، مالکیت و قلمرو آزاد فرد را در تصرف بر مال به رسمیت شناخته و با تأکید بر این گستره‌ی مالکانه، کسی حق ندارد با او رفتاری مالکانه داشته باشد و بر این اساس، اگر کسی حق دارد بر مال خود تسلط داشته باشد، به طریق اولی، بر جان خود نیز تسلط خواهد داشت و شناسایی حق مالکیت که در اساس این قاعده نهفته است، در صورتی خواهد بود که مالکیت بر جان نیز پذیرفته شده باشد و مالکیت در رابطه‌ی آزادانه‌ی شخص با شیء متعلق به او، ایجاد خواهد شد. در کنار این، این قاعده قدرت تصرف مالکانه و سلطنت فرد بر اموال خود را محل توجه قرار داده است و به این جهت، بدون اجازه‌ی او، نمی‌توان در محدوده‌ی مالکانه‌ی او دخالت کرد.

۳-۳- قاعده‌ی لاضرر و اثر آن بر ممنوعیت رفتار مالکانه با دیگران؛

ممنوعیت اضرار به خود و دیگران بر اساس آن، مبنای شناسایی حقوق دیگران بر شخص دارد؛ چه این که ممنوعیت اضرار در صورتی است که حق دیگری شناسایی شده و به رسمیت شناخته شده باشد. این امر نیز ریشه در موضوع اساسی حق الناس دارد که در شریعت اسلامی از آن جایگاهی برخوردار است که هم‌پای حق الله مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس است که امام سجاد(ع) در رساله‌ی عمیق و اثرگذار «حقوق» جنبه‌های مختلف حق و مصادیق آن را مورد اشاره قرار داده است و این که پیوند ما با دیگران در حق آنان بر ما و تکلیف ما در قبال آنان تبلور پیدا می‌کند که این مهم در قالب قواعد تعامل با مردم مورد توجه قرار گرفته است. در همین ارتباط یکی از قواعد فقهی، «حرمت ایدای مؤمن و اضرار به جان و مال اوست» (سبزواری، ۱۳۸۹، ص ۱۵۶). بر این اساس، هر آنچه صدمه‌ای و درد و رنجی ناروا را بر دیگری وارد کند، دارای حرمت است.

۴-۱- بردگی و اعمال شبیه بردگی؛ مصادیقی از رفتارهای مالکانه با دیگری

بردگی نوعی از رفتار مالکانه با دیگر انسان‌ها و شدیدترین حالت آن است و به همین جهت، قانون فوق‌الذکر، مفهوم رفتار مالکانه با دیگر انسان‌ها را به موضوع بردگی پیوند داده است.

۴-۱- بردگی، مفهومی متحول و مصادیقی متعدد و متکثر

بردگی وضعیتی است که در آن، فردی به عللی از جمله اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا سلسله مراتب مبتنی بر قدرت بر دیگری اعمال سلطه

می‌کند و به سان دارایی او انگاشته می‌شود؛ در این وضعیت، فردی که برده نامیده شده یا نامی دیگر برای آن اعلام شده، از تصرف مالکانه در جان و حیات خود محروم بوده، آزادی رفت‌وآمد و آزادی انتخاب او سلب و چون یک شخص از جایگاه اجتماعی شایسته‌ی خود برخوردار نیست و به عبارتی، خودمالکیتی او بر خویش نفی شده است. برده، فردی است که آزادی تن، آزادی رفت‌وآمد و مالکیت او بر جان و روان خود نادیده گرفته شده و بر همین اساس، او مالکیتی نیز بر آنچه متعلق یک انسان قرار می‌گیرد ندارد؛ چه این که شناسایی حق بر مالکیت، در پرتو تضمین جایگاه شخص بودگی فرد بوده و در واقع، مسائل حقوقی هم‌پیوند با مالکیت، بدون توجه به شخص بودگی مالک، فاقد جایگاه حقوقی است.

ماده‌ی نخست کنوانسیون منع برده‌داری بیان می‌دارد: بردگی وضعیت یا شرایط شخصی است که یک یا تمام اختیارات مربوط به حقوق مالکانه نسبت به او اعمال می‌شود.^۱ براساس این ماده، برای تحقق بردگی، اعمال تمام عناصر مالکیت بر دیگری لازم نیست و بلکه فرد اگر مخاطب یکی از صلاحیت‌هایی که برای مالک تعریف می‌شود قرار گیرد، برده پنداشته می‌شود. اساس‌نامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی ذیل ماده‌ی هفتم بردگی را این‌گونه تعریف کرده است: بردگی اعمال یک یا تمام اختیارات مربوط به حق مالکیت نسبت به یک شخص است و این موضوع شامل اعمال چنین اختیاری در مورد قاچاق^۲ [در قالب ترافیکی‌نگ] اشخاص، به‌ویژه زنان و کودکان می‌شود. تعریفی که اساس‌نامه بیان کرده با تعریف کنوانسیون منع برده‌داری همخوانی دارد و علاوه بر آن، اشکال نوین برده‌داری و به‌بردگی گرفتن مورد توجه قرار گرفته است. بدیهی است که برای شمول عنوان بردگی، اعمال هر کدام

۱. بند الف ماده‌ی هفتم قانون مربوط به الحاق دولت ایران به قرارداد تكمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و دستگاه‌های مشابه بردگی مصوب اسفند ماه ۱۳۳۷، در ارتباط با تعریف بردگی بیان می‌دارد: بردگی به نحوی که در قرارداد بردگی مورخ ۱۹۲۶ تعریف شده‌است به معنی حال یا وضع کسی است که اختیارات ناشیه از حق مالکیت کلاً یا جزئاً نسبت به او اعمال می‌شود و «برده» کسی است که در چنین حال یا وضعی باشد.

۲. در مورد اصطلاح قاچاق انسان باید گفت در زبان انگلیسی دو اصطلاح وجود دارد: ترافیکی‌نگ (human trafficking) و سماگلینگ (human smuggling)؛ این دو واژه با وجود تشابهات، تفاوت‌هایی نیز با هم دارند. هردو مستلزم جابجایی یک فرد هستند، این جابجایی می‌تواند به منظور منفعت مالی یا غیر آن باشد؛ «در ترافیکی‌نگ، یک نوع جابجایی اجباری و غیراختیاری است؛ به همین جهت شیوه‌ای که از طریق آن افراد جابجا می‌شوند معمولاً شامل اجبار، فریب، زور، ربایش است. قربانیان آن، معمولاً جابجا می‌شوند تا به بردگی گرفته شده یا مورد سوءاستفاده و بهره‌کشی قرار گیرند» (Rodriguez, 2011, p 43). در همین راستا در زبان فارسی، اصطلاح قاچاق انسان نمی‌تواند برای افاده‌ی معنای آن کافی باشد و باید به صورتی دیگر طرح شود. قاچاق در قالب معنای ترافیکی‌نگ را باید قاچاق انسان به منظور بهره‌کشی بکار برد و قاچاق در موارد دیگر را بدون این قید اضافی طرح کرد. در کنار این، قاچاق به‌منظور بهره‌کشی «تهدید، استفاده از اجبار یا دیگر اشکال فشارها، ربایش، تقلب، فریب، سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت آسیب‌پذیر یا پرداخت یا دریافت دستمزد یا منافع برای کسب رضایت شخصی که بر دیگر اشخاص کنترل و نظارت دارد و هدف نیز در این عمل، بهره‌کشی است.» (Elliott, 2015, p 3).

نسبت به زنان و کودکان واقع می‌شود؛ زیرا استقلال فردی و آزادی انتخاب فرد و تصمیم‌گیری او خدشه‌دار شده است؛ چه این که اصل بنیادین حقوق، آزادی انتخاب است.

۴-۲- رفتارها و اعمال نظیر بردگی

ماده‌ی نخست قانون مربوط به الحاق دولت ایران به قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و دستگاه‌های مشابه بردگی مصوب اسفند ماه ۱۳۳۷، رفتارهای مشابه یا آنچه خود «رسوم و ترتیبات نظیر بردگی» نامیده است را چنین برشمرده است؛

الف: اجبار به خدمت در مقابل دین: یعنی حال یا وضعیت که از تعهد مدیون نسبت به خدمات شخصی خود یا شخص دیگری که در فرمان او است برای تضمین قرض ناشی می‌شود و در صورتی که ارزش آن خدمات به نحوی که صحیحاً تقویم شود به مصرف استهلاک قرض نرسد یا طول مدت و نحوه آن خدمات محدود و مشخص نباشد.

ب: اصول (بندگی رعایا): یعنی وضع یا حال رعیت که به موجب قانون یا عرف یا قرارداد مکلف باشد در زمین متعلق به فرد دیگری زندگی و کار کند و برای فرد اخیر خدمات معینی را با دریافت اجرت یا رایگان انجام دهد و به هر حال حق تغییر وضع و حال خود را نداشته باشد.

ج: هر ترتیب یا رسومی که به موجب آن:

۱- ابوبین یا قیم یا کسان و یا شخص یا عده‌ای اشخاص دیگر زنی را بدون این که وی حق استنکاف داشته باشد به شخص دیگری وعده دهند یا به زوجیت او درآورند و در ازاء این امر مبلغی وجه نقد یا جنسی دریافت نمایند.

۲- شوهر یا اقوام شوهر یا طائفه شوهر حق داشته باشند در مقابل اخذ وجه یا به طریق دیگر زن را به دیگر واگذار کنند یا.

۳- زنی پس از مرگ شوهر به شخص دیگری به ارث برسد.

د: هرگونه رسوم یا ترتیباتی که به موجب آن کودک یا فرد غیر بالغ (کمتر از هیجده سال) توسط یکی از ابوبین خود یا هر دوی ایشان یا توسط قیم در ازای اخذ وجه یا بدون اخذ وجه به منظور تمتع از کودک یا فرد غیربالغ یا استفاده از کار او به شخص دیگری تسلیم شود.

این ماده علاوه بر مواردی که برخلاف آداب و رسوم انجام می‌شود، مصادیقی که ناشی از فرهنگ و عرف خاص یک بخش از جامعه باشد و رفتار یا ترتیباتی نظیر بردگی باشد را نیز در شمار آن اعمال قرار داده است. در ارتباط با این ماده چند نکته قابل تأمل است؛ باوجود این که در این ماده اشاره‌ای به جرم‌انگاری این اعمال نشده است، اما از آنجا که این قانون،

از صلاحیت‌های مالکانه نسبت به بزه‌دیده به‌طور مطلق مورد توجه است تا رابطه‌ی مالک و برده ایجاد شود. در مورد ارتباط بردگی و کار اجباری و نیز کار همراه با خشونت باید گفت ماده‌ی دوم کنوانسیون کار اجباری ۱۹۳۰ بیان می‌دارد: برای اهداف این کنوانسیون اصطلاح اجباری یا کار اجباری به معنای تمام کار یا خدماتی است که از شخص در معرض هرگونه تنبیهی خواسته‌شده و شخص مذکور، خود، داوطلبانه، برای انجام آن اعلام آمادگی نکرده است. بر این اساس، آنچه در بردگی وجود دارد و در کار اجباری نیست، بحث از مالکیت فرد بر انسان دیگری است، ولی از این جهت که در هردو فرد موضوع بهره‌کشی قرار می‌گیرد و در راستای منافع دیگری از حقوق انسانی‌اش محروم می‌شود، شباهت دارند.

برخلاف روش‌هایی که پیشتر در جوامع برای برده‌داری رایج بود و در آن، فردی به صورتی عینی، دارایی و سرمایه‌ی دیگری محسوب می‌شد و این وضعیت به‌عنوان یک رابطه‌ی حقوقی قانونی نیز گاه پذیرفته شده بود، «ویژگی خاص تمامی شیوه‌های بردگی مدرن سوءاستفاده از قدرت نظارت و کنترل توسط کارفرماست که از طریق اجبار، تهدید یا با مهارت شرایط کاری بهره‌کشان را تحمیل می‌کند، در حالی که جایگزین‌های کارگر-استخدام‌شده محدود است» (Nolan, 2019, p 18). در بردگی مدرن و نوین از آنجا که خرید و فروش انسان غیرقانونی است «بهره‌کشی از دیگر انسان‌ها بر اساس وجود یک قرارداد، خشونت، اجبار و الزام، فریب یا سوءاستفاده از قدرت است» (Kenway, 2021, p 6). این موارد خود را گاه در قالب یک قرارداد نشان می‌دهد؛ قراردادهایی که در عمل، همان مبنای اساسی ممنوعیت بردگی را که بهره‌کشی از دیگری است در بردارد. از این رو، ذهن ما نباید محدود به شیوه‌های سنتی بردگی گردد و پنداشته شود که آنچه در دنیای امروز با همان اهداف قدیم و در قالب شکلی نوین انجام می‌شود، بردگی نیست؛ در حالی که مسأله‌ی اساسی در بردگی رفتار مالکانه با دیگری است و هر تعریفی از بردگی این عنصر اساسی را در خود دارد؛ فارغ از این که شکل و شیوه‌ی آن در طول زمان و جوامع مختلف، متفاوت بوده باشد. در جهان امروز «ایده‌ی مالکیت به‌عنوان [شیوه‌ی] در نظارت بر برده به‌جای ایده‌ی برده به‌عنوان موضوع تملک مطرح است. مالک‌بودن در معنای امروزی، خود را در نقض حقوق بشر، استقلال، آزادی در رفت‌وآمد و تمامیت جسمانی اشخاص خود را نشان می‌دهد» (Chisnall, 2020, p 489). در همین راستا بیان شده است: «قاچاق انسان به‌منظور بهره‌کشی یکی از مصادیق مدرن تجارت برده در زمان حاضر» (Davidson, 2015, p 109) به‌ویژه در مواردی است که

۱. همچنین بیان شده است بردگی در دنیای امروز در قالب اشکال گوناگونی همچون «کار اجباری، قاچاق [انسان] به‌ویژه کودکان و زنان و تمامی اشکال آن، نقض قواعد حقوق بشری بین‌المللی است» (Hall & Stahn in Triffterer, 2015, p188).

مبتنی بر کنوانسیون تکمیلی است و کنوانسیون تکمیلی نیز خود مبتنی بر کنوانسیون لغو برده‌داری است، لذا امکان احاله‌ی آن به قانون ممنوعیت خرید و فروش برده مصوب ۱۳۰۷ وجود دارد؛ چرا که در قانون اخیرالذکر، بردگی تعریف نشده و باوجود اشاره به رفتار مالکانه، تعریف و بیان مصادیق آن مورد توجه نبوده است. از این جهت با قدر مشترک ترتیبات نظیر بردگی، می‌توان به تعریفی از رفتار مالکانه دست یافت؛ چراکه در قانون مصوب ۱۳۰۷ «بردگی و هر رفتار مالکانه‌ی دیگری» را در کنار هم آورده و به نظر می‌رسد با کمک یک تفسیر موضوعی و شبکه‌ای و ساختارمند، بتوان از مصادیق ذکر شده در قانون الحاق به کنوانسیون تکمیلی به تعریف رفتار مالکانه نزدیک شد و به تعبیری، ترتیبات مشابه بردگی، می‌تواند از مصادیق رفتار مالکانه باشد. آنچه در این ماده به‌عنوان مصادیقی از آیین‌های نظیر بردگی مورد اشعار قرار گرفته است در قالب بهره‌کشی از نیروی اقتصادی، ایجاد رابطه‌ی ارباب-رعیتی، تعمیق فرهنگ و عرف و آداب و رسوم مبتنی بر مالک‌پنداری و ایجاد سلطه‌ی انسانی بر دیگری و شکل‌گیری سلسه‌مراتب فرادستی و فرودستی است که این رفتارها می‌تواند در در چهارچوب یک رابطه‌ی کاری، در یک فرایند اجتماعی-سیاسی، در اثر مناسبات اقتصادی، ساختار فرهنگی و عرفی و به صورت مصادیقی از تصمیم‌گیری مالکانه در مورد سرنوشت دیگری، چگونگی اشتغال و نادیده‌گرفتن حق بر شغل، نادیده‌گرفتن حق بر ازدواج آگاهانه و آزادانه و سوءاستفاده از رابطه‌ی والدینی-فرزندی باشد. قدر مشترک این رفتارها در این است که بزه‌دیده به‌عنوان طراح اصلی زندگی خود مورد شناسایی قرار گرفته و به علت موقعیت سنی، جنسی، اقتصادی، خانوادگی و اجتماعی خود مورد سوءاستفاده و بهره‌کشی و رابطه‌ی پیدا و ناپیدای قدرت می‌شود. در این ارتباط، همچنین باید گفت گاه رفتارهای مشابه بردگی که چون رسم و آداب و رسوم جلوه می‌کنند، جنبه‌ی کیفر خود را کمتر نشان داده و یا در مواردی که مبتنی بر عدم آگاهی بزه‌دیده و عدم احساس قربانی‌شدن است، می‌تواند جنبه‌های عمیق فرهنگی پیدا کند.

۴-۳- مصادیقی از رفتار مالکانه با دیگری

ازجمله دیگر مصادیق رفتار مالکانه با دیگری می‌توان به بهره‌کشی از کودکان کار به‌عنوان نمونه‌ای از صورت‌های نوین رفتار مالکانه با دیگری پرداخت. ازدواج اجباری، خرید و فروش نوزاد و کودک، ازجمله دیگر مصادیق است. کارگری که قبول می‌کند حق بیمه نداشته باشد، ساعات بیشتری را می‌پذیرد بدون مزد اضافی کار انجام دهد، یا این که راضی می‌شود به کمتر از حداقل دستمزد کار کند، از دیگر مصادیق این حالت است که این موضوع

به‌ویژه در مورد کار زنان در کارگاه‌ها دوچندان است. نیز، اخذ اسناد تجارتي تعهدآور از کارگر یا کارمند، از سوی کارفرما مبنی الزام به پرداخت چند برابر حقوق دریافتی در صورت استعفای پیش از موعد معین که نمودی آشکار از تحدید حق انتخاب آزادانه‌ی شغل است و در همین راستا، سوءاستفاده از وضعیت بیشتر مهاجران و اتباع بیگانه و آسیب‌پذیری آنان و عدم پرداخت حقوق کامل به آنان یا بیمه‌ی آنان از دیگر مصادیق این عمل است. یکی دیگر از مصادیق رفتار مالکانه با دیگری در استفاده از زور و تنبیه و خشونت علیه همسر یا فرزندان است؛ فردی که از موقعیت پدرانه یا همسری خود سوءاستفاده می‌کند و انسانی دیگر را از طریق ضرب و جرح و خشونت، مجبور به پیروی از خواسته‌های خود یا انطباق با معیارهای خود می‌نماید. این موضوع در ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در قالب اصطلاح زیانمائی «تأدیب یا حفاظت از صغار و مجانی» آمده است و قانون‌گذار به شیوه‌ای ادیبانه، از تأدیب در معنای تنبیه و کتک‌کاری و نوعی از خشونت علیه صغار و مجانین استفاده کرده است. پذیرش این موضوع و صورت قانونی بخشیدن به این رفتار در موضوع قتل به این امر ختم می‌شود که پدری که فرزند خود را قصدمندانه به قتل می‌رساند از مجازات برابر با دیگر مرتکبان قتل عمد رهایی می‌یابد. در کنار این، همان‌گونه که ازدواج اجباری جزو رفتارهای مشابه بردگی و مصداقی از رفتار مالکانه با دیگری است، سوءاستفاده از امتیاز قانونی طلاق و برخورد مالکانه با کسی که می‌خواهد جدا شود و طلاق‌ندادن وی و به سته‌درآوردن همسر در پایان‌ندادن به زندگی مشترک و اعمال یک حق به صورت غیرمشموع و سوءاستفاده از این امتیاز قانونی، نوعی از رفتار مالکانه است. از دیگر مصادیق رفتار مالکانه که ریشه‌ای در فرهنگ نیز دارد می‌توان به آیین خون‌صلح یا آنچه در برخی مناطق خُصُل^۲ هم نامیده می‌شود، اشاره کرد. اگرچه این آیین راهکاری در عدالت ترمیمی است و موجب کم‌شدن تعداد کیفرها می‌شود، اما خود آسیبی دیگر را موجب می‌شود و آن در رفتار مالکانه با دخترانی است که به‌خاطر عدم اجرای کیفر قصاص، قربانی می‌شوند. در این آیین فردی از کیفر مرگ

۱. در ارتباط با آن دسته رفتارهای مالکانه‌ای که به نام حق والدینی یا پدری علیه کودکان واقع می‌شود باید گفت «دارایی پنداشتن فرزندان غیراخلاقی است. فرزندان انسان هستند، بنابراین نمی‌توانند ملک و دارایی انسانی دیگر باشند و از این واقعیت که والدین فرزندان را خلق می‌کنند، نمی‌توان به راحتی نتیجه گرفت که آن‌ها مالک فرزندان هستند و از اختیارات مربوط به آن برخوردارند» (آستین، ۱۳۹۹، ص ۱۳-۱۲).
۲. در تعریف این رسم آمده است «به ازدواج درآوردن دختری از خانواده‌ی قاتل به یکی از افراد خانواده‌ی مقتول نیز می‌تواند ازجمله موارد خون‌بها یا خون‌بس باشد» (رضوی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۲۴). همچنین بیان شده است: «هرگاه در اثر نزاعی که میان دو طایفه درمی‌گیرد، قتلی واقع شود، خانواده‌ی قاتل مجبور می‌شود یکی از دختران خود یا طایفه را به عقد و ازدواج فردی از خانواده‌ی مقتول درآورد تا از خون‌ریزی بیشتر جلوگیری شود. به این رسم خون‌بس می‌گویند» (ارجمندی و نوروزی، ۱۳۸۹، ص ۱۴).

نجات می‌یابد، اما استقلال و آزادی و حق انتخاب نقض شده و یک‌نوع ازدواج اجباری- تحمیلی واقع می‌شود؛ باید گفت مرگ، مرگ است، اگرچه گاه جسمی نباشد.

۵- الزامات و آثار سیاست‌گذارانه‌ی جرم‌انگاری رفتار مالکانه نسبت به دیگری

همان‌گونه که پیداست اسناد بین‌المللی و به‌ویژه اسناد هم‌پیوند با حقوق بشر، در سلسله‌مراتب قوانین و مقررات و بر اساس اصل سلسله‌مراتب هنجارها، از اولویت و تفوق تقنینی و اجرایی بر قوانین عادی داخلی برخوردارند؛ چه این‌که این اسناد بیانگر حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر هستند و هدف قانون در نهایت، حمایت از ارجمندی حیات، پاسداشت آزادی و تکریم برابری انسان‌هاست. بر این اساس، قانون نباید موجب نقض آزادی یا سلب حق یا تبعیض شود. با توجه به قانون مربوط به الحاق دولت ایران به قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و دستگاه‌های مشابه بردگی و تأکید بر اصل یکپارچگی نظام حقوقی کیفری و نیز توجه به همبستگی ساختار درونی آن و نیز توجه به سلسله‌مراتب قوانین، مستلزم آن است مقررات جزئی از قواعد و کلیات عام پیروی کرده، حقوق بنیادین انسان را رعایت کرده و در چهارچوب معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی که دولت ایران نیز به آن ملحق شده است، قاعده‌گذاری انجام شود. بر اساس حق‌رهایی از بردگی، ممنوعیت برده‌داری و جرم‌انگاری رفتار مالکانه و اعمال شبیه بردگی، جزو قواعد بنیادین نظام کیفری ایران است که در جهت پاسداشت کرامت و ارجمندی و آزادی و گرامی‌داشت حیات انسان وضع شده و ضروری است قانونگذار در تصویب دیگر قوانین، این مقرر بنیادین را لحاظ کند. با توجه به مبانی پیش‌گفته، می‌توان قایل به بطلان تمامی مقرراتی بود که با مبانی و اصول و قواعد بنیادین قابل جمع نبوده و یا در جهت عکس این قواعد حرکت می‌کنند. به همین جهت، ماده‌ی نهم قانون مربوط به الحاق دولت ایران به قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و دستگاه‌های مشابه بردگی مصوب اسفند ماه ۱۳۳۷، بیان می‌دارد: نسبت به این قرارداد هیچ گونه قید و شرطی پذیرفته نیست. بر این اساس، هر شرطی و هر مقرره‌ای که مغایر با صریح این قانون و یا روح و مقاصد و اهداف آن باشد، اعتبار نخواهد داشت. بر همین اساس، ازجمله مواردی که با اصل آزادی انتخاب فرد تعارض دارد، ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی است که بیان می‌دارد: شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند. این موضوع باید در پرتو حق زن و آزادی وی در انتخاب

شغل مورد توجه قرار گیرد و نه این‌که اختیار اعمال یک سلطه‌ی مالکانه را به مرد بدهد. قانونگذار می‌بایست در مواردی اینچنین، یا در موضوع اختیار مسکن، توجه به خرد جمعی در مسائل خانواده را مورد توجه قرار می‌داد؛ چه این‌که خانواده نهاد اول و اساسی در آموزش تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری جمعی است. از دیگر مواردی که نیازمند بازنگری است ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی است که بیان می‌دارد: ابوبین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تادیب تنبیه نمایند. در توجیه قاعده‌زدایی از این ماده باید گفت کودک و فرزند در اختیار والدین هستند چون یک امانت و رعایت مصلحت کودک، قاعده‌ی اساسی در نگهداری و تربیت است و استفاده از تنبیه که ماهیتاً خشونت است، نباید در قانون موجه اعلام گردد؛ به‌ویژه آن که قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ بر مبنای حمایت از کودکان در برابر هر نوع خشونت خانوادگی و غیر آن وضع شده است. از دیگر مواردی که در پرتو این مبانی نیازمند بازنگری است، بند سوم ماده‌ی ۱۸ قانون گذرنامه است که به موجب آن برای زنان متأهل [به تعبیر قانون شوهردار] با موافقت کتبی شوهر گذرنامه صادر خواهد شد. ازجمله‌ی دیگر مواردی که می‌تواند در بازنگری مقرره‌ی قانونی بر اساس جرم‌انگاری رفتار مالکانه با دیگری مدنظر باشد ماده‌ی ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی در کتاب تعزیرات است که با عنوان «قتل در فراش» هم مورد بحث قرار می‌گیرد.

۶- نتیجه‌گیری

رفتار مالکانه با دیگری، خدش‌دهی به منزلت انسانی، نفی فردبودگی، آزادی، برابری و حق انتخاب است. در کنار این، تبعیض میان انسان‌ها را به علت موقعیت برتری‌طلبانه‌ای که برخی از آن‌ها دارند، ترویج کرده و تعمیق می‌بخشد. رفتار مالکانه، شیء‌شدگی انسان را موجب شده و برابری به‌عنوان وجه استمرار جامعه و مبنای تمامی قراردادها را خدشه‌دار می‌کند. مبنای جرم‌انگاری این عمل نیز این است که انسان شیء و کالایی که موضوع مالکیت قرار گیرد نیست و بر این اساس، حتی رضایت بزه‌دیده به رفتارهای مالکانه علیه خود، نمی‌تواند نافی تحقق جرم مذکور باشد. به همین جهت، قانون‌گذار در سال ۱۳۰۷، همگام با تحولات بین‌المللی و تلاش جامعه‌ی جهانی برای حذف نهاد برده‌داری، اقدام به تصویب قانون مورد اشاره کرده است. در این قوانین با اعلام جرم رفتار مالکانه با دیگری، تمامی اشکال قدیم و نوین به‌بردگی گرفتن و نادیده‌گرفتن جایگاه انسان‌ها را در قالب رفتارهای مالکانه، جرم‌انگاری کرده و با توجه به این‌که رفتار مالکانه با انسانی دیگر، با

التراث العربی.

- [۹] رضوی فرد، بهزاد، مرادقلی، حسین و ضرغامی، سیروس (۱۳۹۵). بررسی آثار ترمیمی اجرای مراسم خون‌صلح؛ مطالعه‌ی مورد در استان کرمانشاه، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتادم، شماره ۹۴.
- [۱۰] السبزواری، شیخ‌علی الزارعی (۱۳۸۹). القواعد الفقهیه فی مدرسه السید السبزواری، چاپ اول، شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.
- [۱۱] صفایی، سیدحسین (۱۳۹۲). دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول، چاپ شانزدهم، نشر میزان.
- [۱۲] الطوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۶). تهذیب الاحکام، جلد ۶، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه.
- [۱۳] کانت، ایمانوئل (۱۳۸۸). درس‌های فلسفه‌ی اخلاق، ترجمه‌ی منوچهر صانع‌ی دره‌بیدی، چاپ چهارم، نشر نقش و نگار.
- [۱۴] الکلینی، ابو جعفر محمدبن یعقوب (۱۳۸۷). الکافی، جلد ۹، دارالحديث.
- [۱۵] کنوانسیون مکمل کنوانسیون الغای بردگی ۱۹۵۶.
- [۱۶] کنوانسیون منع بردگی مصوب ۱۹۲۶.
- [۱۷] محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶). قواعد فقه، جلد اول، چاپ دوازدهم، مرکز نشر علوم اسلامی.
- [۱۸] میل، جان استوارت (۱۳۸۵). رساله درباره‌ی آزادی، ترجمه‌ی جواد شیخ‌الاسلامی، چاپ پنجم، انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۱۹] میل، جان استوارت (۱۳۹۰). انقیاد زنان، ترجمه‌ی علاءالدین طباطبایی، چاپ سوم، نشر هرمس.
- [20] Chisnall, Mick (2020). Digital slavery, time for abolition? Policy studies, Vol. 41, No 5.
- [21] Davidson, Julia Oconnell (2015). Modern slavery; the margin of freedom, Palgrave Macmilang.
- [22] Elliott, Jessica (2015). The role of consent in human trafficking, Routledge.
- [23] Kenway, Emily (2021). The truth about modern slavery, first published, Pluto press.
- [24] Narveson, Jan (2001). The libertarian idea, broadview press.
- [25] Feinberg, Joel (1986). Harm to self, Oxford university press.
- [26] Nolan, Justine & Martijn Boersmag (2019). Addressing modern slavery, UNSW Press.
- [27] Piotrowicz, Ryszard & Conny Rijken (2018). Routledge handbook of human trafficking, Routledge.
- [28] Rodriguez, Junius p (2011). Slavery in the modern world, ABC-CLIO.

حقوق بنیادین انسان و قواعد آمره‌ی بین‌المللی مغایر است، لذا تمامی مقررات مغایر با آن که به نوعی برخی سویه‌های رفتار مالکانه با دیگر انسان‌ها را ممنوع نکرده یا تا حدودی تجویز کرده‌اند، از درجه‌ی اعتبار ساقط‌اند و به همین جهت، ضروری است تمامی اشکال رفتار مالکانه با دیگری شناسایی شده و با تکیه بر مبانی و اصول حقوقی و نیز مبانی این قانون، در جهت ابطال برخی مقررات که خود موجب ترویج رفتار مالکانه با دیگر انسان‌ها می‌شوند گام برداشت. در کنار مسائل فوق و در ارتباط با پیشگیری از جرم رفتار مالکانه با دیگری باید گفت این جرم در بخشی از آن ناشی از یک فرهنگ در چگونگی برخورد با دیگران هم هست و بر این اساس، تغییر و تحول در ساختارهای فرهنگی و تعمیق جایگاه منزلت انسانی و حقوق بشر، گامی مهم در جهت کم کردن آن خواهد بود. بحث تحقیر یک فرد در قالب توهین به او در قالب رابطه‌ی فرادستی و فرودستی، می‌تواند جزو مصادیقی باشد که در قالب مصادیقی از رفتار مالکانه با دیگر انسان‌ها مورد بررسی باشد؛ به‌ویژه در خشونت‌های ناشی از ازدواج‌های اجباری که زوجه از هیچ‌نوع حمایتی برخوردار نیست، یا در مواردی که دیگری قصدمندانه تحقیر می‌شود، ضرورت دارد رویه‌ی قضایی در تفسیر این‌گونه اعمال آن‌را چون یکی از مصادیق رفتار مالکانه با انسانی دیگر مورد بررسی قرار دهد. در کنار این باید میان کنترل و نظارت و رفتار مالکانه تمایز نهاد و گاه به نام نظارت یا تربیت و آموزش، رفتاری مالکانه با دیگری انجام می‌شود؛ چه این که بزه‌دیده‌ی این جرم فردی است که به علت موقعیت سنی، جنسی، خانوادگی، اقتصادی، جسمی و دیگر وضعیت‌های آسیب‌پذیر، موضوع برخورد مالکانه قرار می‌گیرد.

منابع

- [۱] ارجمندی، غلامرضا و نوروزی، ابوالقاسم (بهار ۱۳۸۹). حل منازعات قومی در میان عشایر بختیاری شهرستان ایذه؛ رسم خون‌بری یا خون‌بس، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره‌ی اول.
- [۲] اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی.
- [۳] امام خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱). البیع، الجزء الاول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی.
- [۴] آستین، مایکل (۱۳۹۹). نگاهی فلسفی به حقوق و وظایف والدین، ترجمه‌ی مریم رضایی، چاپ اول، نشر نقد فرهنگ.
- [۵] برلین، آیزایا (۱۳۸۰). چهار مقاله درباره‌ی آزادی، ترجمه‌ی محمدعلی موحد، چاپ دوم، انتشارات خوارزمی.
- [۶] بروجردی‌عبد، محمد (۱۳۸۰). حقوق مدنی، چاپ اول، انتشارات مجد.
- [۷] حاج حمد، محمد ابوالقاسم (۲۰۱۰). الحاکمیة، الطبعة الاولى، دارالساقی.
- [۸] حر عاملی، محمدبن الحسن (بی‌تا). وسائل الشیعه، جلد ۱۳، دار احیاء

- communitarian in defence of recognizing property in the human body, Northern Ireland legal quarterly, 70(3).
- [32] Lefevre, Robert (1971). The philosophy of Ownership, Second printing.
- [33] Quigley, Muireann (2018). Self ownership, property rights and the human body, Cambridge university press.
- [29] Triffterer, Otto (2015). Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court: Observers' Notes, Article by Article, Beck/Hart, Third edition.
- [30] UK Modern Slavery Act 2015.
- [31] Maddox, Neil, Limited (2019). inclusive and